پژوهش‌نامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۶، بهار و تابستان ۱۳۹۹
صص ۱۴۱ـ۱۶۵ (مقاله پژوهشی)

No. 26, Spring & Summer 2020

همنشینی حکمت و کتاب در قرآن و زایش مفهومی نو

غزاله رضایی[۱]، احمد غلامعلی[۲]، محمد مرادی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۲/۵ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۳/۲۳)

چکیده

کتاب و حکمت دو مفهومی است که در تفاسیر قرآن درباره‌ی آن بحث شده است. مسئله اصلی نوشتار حاضر واکاوی مفهوم حکمت در همنشینی با کتاب در قرآن کریم است. در نگاه جدید ادعا بر آن است که مفهوم حکمت در مواردی که با کتاب همنشین شده است، مفهومی متفاوت از حکمت لغوی و اصطلاحی در قرآن دارد. روش پژوهش در مقاله حاضر تحلیل معنایی و مخاطب شناسی در آیاتی است که حکمت در کنار کتاب آمده است. با تامل در مخاطبان کتاب و حکمت در سراسر قرآن درمی‌یابیم که پیامبران و امت پیامبر دو مخاطب کتاب و حکمت در طول تاریخ بوده‌اند. از سویی از منظر قرآن برخی قرینه‌ها وجود دارد که حکمت در مواردی که با کتاب همنشین است، تنها به معنای مصطلح لغوی خود مانند منع از جهالت و استواری سخن نیست بلکه معنایی خاص پیدا کرده است. از جمله قرینه‌هایی که در خصوص کاربست حکمت در قرآن وجود دارد، می‌توان به این موارد اشاره کرد: بهره‌مندی اختصاصی اولواالالباب از حکمت علیرغم عمومیت تعلیم، تکرار امر تعلیم حکمت به پیامبر، نعمت ثقیل الهی، واکنش حسودانه یهود به نعمت حکمت و... . بنابر این از مجموع رویکرد تعلیم حکمت به امت پیامبر و تکرار آن به دست می‌آید که دست‌کم یکی از معانی حکمت در چهار آیه قرآن که با کتاب همنشین شده است به معنای ولایت علی علیه‌السلام است که در قالب عنوان حکمت باید به مسلمانان تعلیم داده می‌شد.

کلید واژه‌ها: *کتاب، حکمت، قرآن، ولایت، مخاطب‌شناسی.*

---

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قرآن و حدیث (نویسنده مسئول)؛
shokret_mehraboon@yahoo.com
۲. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث، قم؛ a.gholamali110@yahoo.com
۳. استادیار دانشگاه قرآن و حدیث؛ قم؛ moradi_215@yahoo.com

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

مقدمه و بیان مسأله

یکی از موارد مهم و اساسی که نقش به سزایی در کمالات انسانی دارد، حکمت است که از موضوعات مهم قرآنی است. حکمت از قدیمی‌ترین، پیچیده‌ترین و ارزشمندترین اموری است که در تمامی فرهنگ‌ها نقش تعیین کننده داشته است. اما این مفهوم نزد اقوام و ادیان مختلف و در طول تاریخ، معانی گوناگونی به خود گرفته و حقیقت آن در هاله‌ای از ابهام مستور شده است. (پاشایی، چکیده)

در قرآن کریم نیز، کتاب و حکمت در ۱۰ آیه همنشین شده‌اند و مفسران تفسیرهای متفاوت و متعددی برای آن بیان کرده‌اند. مسئله اساسی این نوشتار مفهوم حکمت در همنشینی کتاب در قرآن کریم است. در این مقاله با تحلیل معنا و مخاطب‌شناسی در آیاتی که حکمت در کنار کتاب آمده است، به مفهوم حکمت می‌پردازیم.

مفسران، غالباً ذیل آیه ۲۶۹سوره بقره، حکمت در قرآن را به معانی متعدد و متفاوتی مانند: عقل، فهم، قضا، شناخت دین، اطاعت از خدا و اصول اخلاقی تفسیر کرده‌اند. (برنجکار، ۳) بنابراین، تعدد و تفاوت معنای حکمت، سبب توجه پژوهشگران به شناخت معنای آن شده است.

در پژوهش‌هایی که به مفهوم حکمت پرداخته‌اند، معانی متفاوتی برای آن مطرح کرده‌اند، برخی براساس ریشه‌یابی لغوی و موارد کاربرد حکمت در قرآن و روایات، مشخصه‌های استحکام و استواری و منع و بازدارندگی با رویکرد اصلاح را دو مشخصه‌ی اصلی حکمت دانسته‌اند. (طالبی، چکیده) و برخی حکمت را بصیرتی بر پایه‌ی ایمان بیان کرده‌اند که نظر و عمل را مطابق حق استوار می‌کند و به دور از خطا و لغزش است. (پاشایی، چکیده) برخی از دیدگاه لغوی و دینی، حکمت را دانش خطاناپذیر و مطابق با واقع و واحد معنا کرده‌اند. (برنجکار، ۸) بعضی حکمت را علمی مربوط به کتاب، دین و شریعت (سنن و فرایض) بیان کرده‌اند که خداوند آن را در اختیار انبیا می‌گذارد که آن را به بشر تعلیم دهد و قرآن تعلیم این حکمت را یکی از علل بعثت انبیا می‌داند. (شریفی،

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

۳۵) همچنین حکمت قرآنی را حکمتی غیراکتسابی و موهبتی الهی می‌داند که خداوند آن را به انبیا و گاه به غیر انبیا عطا می‌کند. (شریفی، چکیده) همچنین در کتابی با عنوان "حکمت چند رویکرد به یک مفهوم" مقالاتی ارزشمند در باب حکمت از دیدگاه فلسفه، اخلاق و دین ترجمه شده است. نویسنده در این کتاب، حکمت را با توصیف حکیم شرح داده، و بر علم، عمل و خوبی که از شاخصه‌های کلی حکمت است تاکید کرده است. طبق بررسی‌های انجام شده، مقاله یا کتابی که به صورت خاص به مفهوم حکمت در همنشینی با کتاب در قرآن‌کریم پرداخته باشد، به جز مقاله، نگاهی دیگر به معناشناسی کتاب و حکمت با نگارش محمدکاظم شاکر وجود ندارد، یا دست کم نگارنده به آن دست نیافته است. آقای شاکر همنشینی توامان دو واژه کتاب و حکمت در ده آیه از قرآن کریم را تامل برانگیز می‌داند که در تفاسیر نزدیک به بیست معنی و مصداق برای این دو کلمه بیان شده است. در این مقاله کتاب به عنوان قوانین الزام‌آور ادیان آسمانی و حکمت به عنوان عنصر فراتر از شرایع و در تعامل با آن مطرح می‌گردد.

آنچه در پژوهش‌های مشابه یافت شد، بیشتر مفهوم‌شناسی حکمت و تبیین تفسیری آن بوده است. پژوهش حاضر با نگاهی به سیاق، مخاطب‌شناسی و مشخصات حکمت در همنشینی کتاب شکل می‌گیرد. هدف عمده نوشتار حاضر برجسته‌سازی نقش همنشینی کلمات در ارائه مفهوم جدید است. بنابر این علیرغم معانی مختلف حکمت که بیان شده است سعی در شناخت جامعه هدف حکمت و معنایی است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مامور به تعلیم آن بوده است؛ بنابراین سوالات زیر شکل می‌گیرد.

۱ـ جامعه هدف کتاب و حکمت در طول تاریخ چه کسانی بودند؟

۲ـ معنای کتاب و حکمتی که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلم مأمور به تعلیم آن بوده‌اند، چه چیزی است؟

بنابر این بعد از بیان معانی لغوی و اصطلاحی کتاب و حکمت، به آیات در دو بخش اصلی می‌پردازیم:

۱ـ آیاتی که انبیا علیهم‌السلام را دریافت کننده‌ی کتاب و حکمت برمی‌شمارد.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

۲ـ آیاتی که امت حضرت محمد صلی‌الله علیه و آله و سلم را تنها متعلمان کتاب و حکمت به غیر از انبیا علیهم‌السلام برمی‌شمارد.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. کتاب در لغت

کتاب به معنای ضمیمه سازی چیزی به چیز دیگر (ابن درید، ۱۹۶/۱) و به معنای مکتوب (طبرسی، ۱۱۶/۱) آمده است.احمدبن‌فارس در این باره می‌نویسد: (ک،ت،ب) اصل صحیح واحد یدلّ علی جمع شیء الی شیء. (ابن فارس، ۱۵۸/۵) اصل (ک،ت،ب) بر ضمیمه چیزی با چیزی دلالت می‌کند. بنابراین لغت شناسان معنای اصلی "کتاب" را جمع و انضمام دانسته‌اند.

با توجه به معناهای باز گفته: معنای وضعیِ اوّلیه‌ی کتاب، نه نوشتن و نوشتار است و نه مجموعه‌ی مدوَّن بین دو جلد، این واژه در اصل به معنای انضمام و جمع بین دو چیز وضع شده است. اما در رابطه با ارتباط نوشتن و انضمام؛ تردیدی نیست که اکنون رایج‌ترین معنا در کاربرد واژه‌ی کتب و مشتقات آن، نوشتن است. با توجه به اینکه معنای اصلی و «موضوع له» اولیه‌ی این واژه، انضمام است، این پرسش مطرح می‌شود که آیا ارتباطی بین «نوشتن» و «انضمام» وجود دارد؟ راغب اصفهانی، این ارتباط را چنین بیان می‌کند: «و فی التعارف ضمّ الحروف بعضها الی بعض بالخطّ» (راغب، ۶۹۹) در عرف زبان، به انضمام حروف به یکدیگر با خط، کتابت گفته می‌شود.

بنابراین معنای اصلی کتاب جمع و انضمام است که غالبا برای انضمام حروف به یکدیگر به کار می‌رود.

۱-۲ .کتاب در قرآن

واژه‌ی «کتاب» در قرآن کریم ۲۴۷ بار در هیئت و ساختار مختلف به کار رفته است. از

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

جمله معانی کتاب در قرآن، لوح محفوظ، فریضه کردن، حکم راندن، جعل کردن، امر کـردن (تفلیسی، ۲۴۸)، کارنامه اعمال انسان و از همه مهم‌تر قرآن، تورات و انجیل است (قاموس، ۳۲۰/۱۴ الی ۳۳۲).

۱-۳. حکمت در لغت

برخی لغت‌شناسان که به ریشه اصلی واژه‌ها توجه دارند، معنای اصلی و اولیـه حکمـت را منع و جلوگیری بیان کرده‌اند و معتقدند که حکم (حکم قضایی) از آن مشتق شـده و بـه معنای چیزی است که از ظلم جلوگیری می‌کند. حکمت نیز بـر همـین قیـاس اسـت و بـه معنای چیزی است که از جهل جلوگیری می‌کند. (ابن فارس، ۱۴۰/۲) فیومی ضـمن تأییـد مطالب فوق، بر آن است که وجه تسمیه حکمت آن است که حکمـت، حکـیم را از اخـلاق ناپسند منع می‌کند. (فیومی، ۱۴۵)

نتیجه این بررسی لغوی نشان می‌دهد: برای حکمت معنای منـع و جلـوگیری در تمـام معانی لغوی ذکر شده، مشترک است. همچنین معنای جلوگیری برای اموری کـه بـار منفـی دارند به کار می رود.

۱-٤. حکمت در قرآن

واژه‌ی حکمت در قرآن ۲۰ بار به کار رفته است. حکمت از ریشـه‌ی "ح،ک،م" اسـت که مشتقات آن ۲۱۰ بار در قرآن آمده است. در تفاسیر برای واژه‌ی حکمت معـانی بسـیار متعدد و متفاوتی بیان شده است. از جمله این معانی که مفسـران بـرای مفهـوم حکمـت در قرآن بیان کرده‌اند، عبارت است از: حق به معنای رأی و اعتقاد مطابق با واقع که لازمـه آن کمال باشد (علامه طباطبائی، ۲۷۱/۱۹)، معرفت نـافع (همـو، ۲۱۵/۱۶)، نـوعی احکـام و اتقان که خللی در آن نباشد و غالباً در عقلیات صادقی که احتمـال خطـا در آن راه نـدارد، استعمال شود (همو، ۳۹۵/۲)، مجموعه‌ای از معرفت، علم، اخلاق پاک، تقوا و نـور هـدایت

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

(مکارم شیرازی، ۳۶/۱۷)، علوم قرآن، قول و فعل صادق، دانش دین، نبوت، معرفت به خدا، فهم، ترس از خدا، دانشی که خدا به پیامبران و امت‌هایشان داده که آنها را به معرفت خدا و دین راهنمایی کند و طبرسی بعد از بیان این اقوال، جامع آنها را این معنا می‌داند: علمی که سودش چشمگیر و بسیار باشد (طبرسی،۶۵۹/۲).

نتیجه‌ی این بررسی نشان می‌دهد: حکمت در قرآن، مجموعه‌ای بسیار نافع است که در آن خطایی نیست.

۲. مخاطبان تعلیم کتاب و حکمت

پس از آشنایی با واژه‌های کتاب و حکمت در لغت و قرآن کریم و کاربردهای آن در آرا مفسران، به جاست تا مخاطبان حکمت در قرآن کریم را بررسی کنیم. از آنجا که هدف نگارنده، بررسی حکمت در همنشینی با کتاب است، محوریت، آیاتی هستند که در آن حکمت همنشین کتاب شده است.

۲-۱. انبیاء علیهم السلام

برای فهم بهتر مفهوم حکمت در جایی که با کتاب همنشین است، لازم است شواهد و قرینه‌هایی از چگونگی کاربست آن در قرآن کریم فراهم آوریم. در اینجا شواهدی را گردآورده‌ایم که مخاطبان تعلیم کتاب و حکمت در تاریخ، انبیا علیهم‌السلام بوده‌اند.

داوود، عیسی، لقمان و محمد صلی الله علیه و آله و سلم، از انبیایی هستند که در آیات قرآن کریم مخاطب تعلیم حکمت قرار گرفته‌اند. تعلیم حکمت به انبیا علیهم السلام در قرآن دارای خصوصیاتی است که در این قسمت به آن می‌پردازیم:

۲-۱-۱. تعلیم دهنده‌ی حکمت به انبیا

تعلیم دهنده حکمت به انبیا علیهم السلام در قرآن، خداوند است. برای نمونه در برخی

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

آیات می‌خوانیم:

«وآتاهُ اللَّهُ الْمُلْکَ وَ الْحِکْمَةَ» (البقره، ۲۵۱) «وَ آتَیْناهُ الْحِکْمَةَ» (ص، ۲۰) خداوند به داوود علیه السلام حکمت و ملک عطا کرده است.

«وَ یُعَلِّمُهُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ» (آل‌عمران، ۴۸) خداوند به عیسی علیه‌السلام کتاب و حکمت و... تعلیم داده است.

«أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَیْکَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ» (النساء، ۱۱۱) خداوند کتاب و حکمت را بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نازل کرد. علاوه بر اینکه در این آیه، خداوند را به عنوان تعلیم دهنده حکمت به انبیا معرفی می‌کند، در ادامه بیان می‌کند، اگر تعلیم کتاب و حکمت از جانب خداوند نبود، دستیابی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به کتاب و حکمت امکان‌پذیر نبود. «وَ عَلَّمَکَ ما لَمْ تَکُنْ تَعْلَمُ...» (النساء، ۱۱۳). بنابراین تنها تعلیم‌دهنده حکمت به انبیا علیهم السلام، خداوند است.

۲-۱-۲. اختصاص تعلیم حکمت به انبیا

در دو آیه اختصاص تعلیم حکمت به انبیا علیهم اسلام را بیان می‌کند. نخست آیه‌ی ۱۱۰ سوره مائده را بررسی می‌کنیم. در ابتدای آیه نعمتی را بیان می‌کند که به عیسی علیه‌السلام و مادرش عنایت شده است «إِذْ قالَ اللَّهُ یا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ اذْکُرْ نِعْمَتِی عَلَیْکَ وَ عَلی والِدَتِکَ إِذْ أَیَّدْتُکَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُکَلِّمُ النَّاسَ فِی الْمَهْدِ وَ کَهْلاً» و در ادامه که سخن از نعمت تعلیم کتاب و حکمت است، با وجود مقام قداست مریم علیهاالسلام، مخاطب را تغییر می‌دهد و حضرت عیسی علیه‌السلام را مخاطب عطای کتاب و حکمت قرار می‌دهد و می‌فرماید: «وَ إِذْ عَلَّمْتُکَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ التَّوْراةَ وَ الْإِنْجِیلَ» (المائده، ۱۱۰).

آیه‌ی دیگر، آیه‌ی ۸۱ سوره‌ی آل عمران است. آیه‌ای که به پیمانی که از انبیا علیهم‌السلام در رابطه با کتاب و حکمت گرفته شده است، اشاره می‌کند: «وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِیثاقَ النَّبِیِّینَ لَما آتَیْتُکُمْ مِنْ کِتابٍ وَ حِکْمَةٍ ثُمَّ جاءَکُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَکُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

لَتَنْصُرُنَّهُ» (آل‌عمران، ۸۱) این آیه از میثاقی که گرفته شده است، خبر می‌دهد. در ادامه این آیه خطاب به انبیا می‌فرماید: «**قالَ أَ أَقْرَرْتُمْ وَ أَخَذْتُمْ عَلى ذلِكُمْ إِصْرِي** ...» که در آیه‌ی ۸۴ همین سوره پاسخ انبیا علیهم‌السلام را اینگونه بیان می‌کند: فرمود: «**قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَ ما أُنْزِلَ عَلَيْنا** ...» که نشان می‌دهد میثاقی که گرفته شده، از خود انبیاء گرفته شده است، زیرا میثاق مردم هم به وسیله انبیا گرفته شده است. (طباطبائی، ۳۳۲/۳)

نکته‌ی جالب توجه اینکه با نظر به میثاقی که در آیه خداوند آن را از پیامبران گرفته است که هر گاه کتاب و حکمت به شما دادم، آن‌گاه پیامبری نزد شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند، به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید، گویا آگاهی از کتاب و حکمت، رمز و دلیلی بر نبوت است که ملاک تشخیص انبیا بعدی توسط انبیا قبلی می‌باشد. بنابراین تا زمانی که ارسال رسل ادامه دارد، این آگاهی به مردم نمی‌رسد، زیرا اگر غیر نبی آن را دریافت کند و در انحصار انبیا نباشد، این ملاک نمی‌تواند ملاک شناخت نبی بعدی توسط نبی قبلی قرار گیرد.

همچنین از این آیه دریافت می‌شود، عموم انبیا مورد تعلیم حکمت قرار گرفته‌اند و منحصر در پیامبرانی که در آیات قبل مورد تعلیم حکمت قرار گرفته‌اند نمی‌شود.

این نکته را نیز یادآوری می‌کنیم، لقمان که درباره‌ی نبوتش اختلاف است، در یک آیه مخاطب عطای حکمت است که در این آیه حکمت در کنار کتاب قرار نگرفته است «**وَ لَقَدْ آتَيْنا لُقْمانَ الْحِكْمَةَ**» (لقمان، ۱۲). در قرآن کریم سخن صریحی مبنی بر نبوت و رسالت او به میان نیامده است و اندرزهای او نقل شده است. اما در حدیثی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) تصریح شده که لقمان پیامبر نبود، بلکه فردی بود که بسیار فکر می‌کرد و یقینش نیکو بود و خدا را دوست می‌داشت پس خدا نیز او را دوست داشت و به او حکمت داد. (طبرسی، ۴۹۴/۸) در حدیث دیگری از امام صادق (علیه‌السلام) به تفصیل از لقمان سخن گفته است. در این حدیث ضمن بیان شیوه زندگی و فضایل اخلاقی، همین فضایل، دلیل اعطای حکمت از سوی خدا به لقمان ذکر شده است. همچنین بیان شده که

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

لقمان میان پذیرش خلافت الهی و عدم پذیرش آن مخیر شد، اما آن را نپذیرفت و داود نبی آن را قبول کرد. نکته مهمی که در این روایت دیده می‌شود، این است که خداوند گذشته از حکمت، عصمت را نیز به او داد. (قمی، ۱۶۲و۱۶۳) این روایت بر فرض صدورش از امام، ظاهراً بیانگر این است که خدا روح‌القدس یا درجه‌ای از آن را که منشأ عصمت انبیاء و ائمه علیهم‌السلام است، به لقمان داده است؛ اما نبوت و رسالت و امامت را به او نداده است. به همین دلیل است که سخنان او حکمت خوانده می‌شود.

۲-۲. امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

با توجه به آنچه بیان شد پیامبران علیهم السلام دریافت کنندگان کتاب و حکمت از جانب خداوند بودند و در هیچ آیه‌ای ماموریت تعلیم کتاب و حکمت به امت خود را نداشتند. خداوند متعال علاوه بر اعطا کتاب و حکمت به حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم، ایشان را مامور به تعلیم کتاب و حکمت به امت خود می‌کند. همان طور که ذیل آیه ۸۱ سوره‌ی مبارکه‌ی آل عمران «**وَ إِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثاقَ النَّبِيِّينَ لَما آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتابٍ وَ حِكْمَةٍ ثُمَّ جاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِما مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَ لَتَنْصُرُنَّهُ**» بیان شد، آگاهی از کتاب و حکمت، رمز و دلیلی بر نبوت است که ملاک تشخیص انبیا بعدی توسط انبیا قبلی می‌باشد. بنابراین ماموریت تعلیم کتاب و حکمت به امت، دلیلی بر خاتمیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) نیز می‌باشد، زیرا با توجه به موارد ذکر شده مبنی بر اینکه، دارا بودن کتاب و حکمت دلیل و رمز شناخت انبیا علیهم السلام بوده است، اگر ایشان آخرین پیامبر الهی نبودند کتاب و حکمت نزد امت قرار نمی‌گرفت. به بیان دیگر دریافت کتاب و حکمت از انحصار پیامبران خارج نمی‌گردید. اما به جهت خاتمیت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و عدم نیاز به انحصار کتاب و حکمت به انبیا جهت ملاک تشخیص نبی بعدی، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) مامور به تعلیم آن به امت می‌گردد.

در این قسمت برای فهم مفهوم حکمت همنشین کتاب، لازم است به مشخصات کتاب و

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

حکمتی که در میان انبیا علیهم السلام صرفا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ماموریت تعلیم آن را داشتند، در آیات قرآن کریم بپردازیم.

۲-۲-۱.کتاب و حکمت برای عموم امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

جامعه هدف کتاب و حکمت در امت خاتم المرسلین، قشر خاص و با فضایل خاصی نبوده‌اند و ابلاغ آن جنبه‌ی عمومی داشته است. در آیه‌ای از قرآن کریم، ابراهیم علیه‌السلام از خداوند متعال دعایی را طلب می‌نماید و می‌فرماید: «**رَبَّنا وَ ابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِكَ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ يُزَكِّيهِمْ**» (البقره، ۱۲۹) که منظور آن جناب بعثت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و سلم بود، همچنان که رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمود: من دعای ابراهیم هستم. (صدوق، ۳۶۹/۴) نگارنده تفسیر مجمع‌البیان نیز این روایت را از حسن، قتاده و جمعی از علماء نقل می‌کند. (طبرسی، ۳۹۵/۱).

مرجع ضمیر (هم) با توجه به آیه‌ی قبل «**رَبَّنا وَ اجْعَلْنا مُسْلِمَيْنِ لَکَ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِنا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ...**» امت مسلمان است. (طباطبائی، ۲۹۶/۱)، (طبرسی، ۳۹۵/۱)، (بیضاوی، ۱۰۶/۱) با توجه به آیه‌ی ۱۴ سوره‌ی حجرات «**قالَتِ الْأَعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لکِنْ قُولُوا أَسْلَمْنا...**» که متعرض حال اعراب است که ادعای ایمان می‌کردند، امت مسلمان شامل تمام افرادی که ادعای اسلام داشتند، می‌شود. نگارنده تفسیر المیزان نیز بر این باور است: «این اسلام عبارت از ظاهر اعتقادات، و اعمال دینی است، که ممکن است توأم با واقع باشد یا نباشد، به همین جهت شخصی را هم که دعوی ایمان می‌کند، ولی در واقع ایمان ندارد، شامل می‌شود.» (طباطبائی، ۲۸۶/۱)

آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «**وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَ ما أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتابِ وَ الْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ...**» (البقره، ۲۳۲) که در ابتدای آیه تمام مردان را مخاطب قرار می‌دهد. در آیه‌ای دیگر به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می‌نماید که به دلیل وجود مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در منزل ایشان، آیات و حکمت در خانه‌های

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

ایشان بوده است. «وَ اذْکُرْنَ ما یُتْلی فِی بُیُوتِکُنَّ مِنْ آیاتِ اللَّهِ وَ الْحِکْمَةِ» (الاحزاب، ۳۴)

در آیه‌ی «حِکْمَةٌ بالِغَةٌ فَما تُغْنِ النُّذُرُ» (القمر، ۵) مخاطب حکمت، مشرکان زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند.

بنابر آنچه بیان شد، ماموریت تعلیم کتاب و حکمت توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، برای گروه‌های مختلف و گسترده‌ای بیان شده است و هیچ کدام از آیات، گروه یا افرادی را از آن استثنا نکرده‌اند وحتی کسانی که دعوی اسلام دارند و مشرکان را نیز شامل می‌شود.

۲-۲-۲. عقل وسیله‌ی پذیرش کتاب و حکمت در امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

ویژگی دیگری که قرآن برای کتاب و حکمتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مامور تعلیم آن به امت بود، بیان می‌کند، پذیرفتن اولوالالباب است. با توجه به آنچه بیان شد، عموم امت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، مخاطب تعلیم کتاب و حکمت قرار گرفته‌اند، اما در آیه‌ی ۲۶۹ بقره بعد از منوط کردن عطای حکمت به خواست خداوند و خیر کثیر خواندن حکمت می‌فرماید: «وَ ما یَذَّکَّرُ إِلاَّ أُولُوا الْأَلْبابِ». پذیرفتن، متذکر شدن و بهره‌مندی از کتاب و حکمت مخصوص صاحبان خرد است و هر کس به میزان بهره‌مندی از عقل، از حکمت برخوردار می‌شود. همچنین در حدیث مشهوری که در آن جنود عقل و جهل بیان شده است، حکمت از جنود عقل، در مقابل هوی از جنود جهل قرار گرفته است. (کلینی، ۲۲/۱ و حرانی، ۴۰۲) و در احادیث زیادی حکمت از آثار عقل شمرده شده و هوی، هوس و شهوت ضد عقل بیان گردیده است.

بنابر این حکمت به عموم عرضه می‌شود اما تنها صاحبان خرد به وسیله آن خود را متذکر ساخته و پذیرای آن می‌گردند و هر چه عقل کامل‌تر باشد، بهره‌مندی از حکمت نیز بیشتر است.

۲-۲-۳. ویژگی‌های کتاب و حکمت در امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم

در چهار آیه از آیات قرآن کریم خداوند متعال، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

مامور به تعلیم کتاب و حکمت می‌فرماید. این ماموریت ناشی از مرتبت زمانی شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به سایر انبیا می‌باشد. زمانی که آخرین پیامبر الهی از میان برود، باید در میان بشر چیزی باقی بگذارد تا بشر بتواند با عقلی که نسبت به بشر نسل‌های قبل به تکامل رسیده است برای شناخت راه سعادت به آن تمسک جوید. در این قسمت برای شناخت ویژگی‌های کتاب و حکمتی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مامور به تعلیم آن به امت بود، به این آیات چهارگانه می‌پردازیم:

۲-۲-۳-۱.کتاب و حکمت امری دست نیافتنی برای بشر

خداوند متعال در آیه ای از آیات چهارگانه که ماموریت تعلیم کتاب و حکمت را بیان می‌کند، بعد از «**يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ**» می‌فرماید: «**وَ إِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلالٍ مُبِينٍ**» (الجمعه، ۲). بنابراین مردم زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبل از تعلیم کتاب و حکمت، در گمراهی آشکاری بودند. آیه‌ای دیگر از آیات چهارگانه بعد از اشاره به تعلیم کتاب و حکمت بیان می‌کند: «**يُعَلِّمُكُمْ ما لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ**» (البقره، ۱۵۱) که دلیل دیگری است که بشر (غیر از انبیا علیهم‌السلام) از کتاب و حکمت آگاهی نداشته است و خداوند به امت خاتم المرسلین منت نهاده و کتاب و حکمت داده است. بنابراین اگر تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نباشد، بشر در جهالت باقی می‌ماند و خود توانایی شناسایی و پیمودن هدایت را ندارد.

۲-۲-۳-۲.کتاب و حکمت، در راستای نعمت بزرگ الهی

یکی از آیات چهارگانه‌ای که تعلیم کتاب و حکمت را بیان می‌کند، بعثت پیامبری که مامور به تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت است را منت الهی بیان می‌کند: «**لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلالٍ مُبِينٍ**» (آل‌عمران، ۱۶) بنابراین تعلیم کتاب و

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

حکمت در راستای نعمت و منتی است که خداوند با بعثت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم برای مؤمنان قرار داده است. همچنین اشاره می‌کند که قبل از این، بشر در گمراهی آشکار بوده است.

۲-۲-۳-۳. ارتباط حکمت با اتمام نعمت و ولایت

در سه آیه از آیات چهارگانه‌ای که به تعلیم کتاب و حکمت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پردازد، مسلمانان به صورت جمعی غائب و در عین حال جامعه‌ی هدف هستند، اما در یک آیه، مسلمانان را مخاطب قرار می دهد. در سه آیه‌ای که مسلمانان غائب‌اند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم مخاطب است و خداوند ماموریت تعلیم را به ایشان واگذار می‌نماید. اما در آیه‌ای که مسلمانان مخاطب هستند، می‌فرماید: «**كَما أَرْسَلْنا فِيكُمْ رَسُولاً مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آياتِنا وَ يُزَكِّيكُمْ وَ يُعَلِّمُكُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ**» (البقره/۱۵۱)، در واقع ماموریت تعلیم کتاب و حکمت انجام شده است و خداوند به آن اشاره می‌نماید. سیاق آیه و همچنین آغاز آیه با کاف مشابهت، مخاطب را به آیه‌ی قبل متوجه می‌سازد. در آیه‌ی قبل خداوند می‌فرماید: «**وَ لِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُم**».

علامه طباطبائی در رابطه با «**وَ لِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُم**» می‌فرماید: «آیه مورد بحث در باره مسئله حج است و وعده اتمام نعمت را به همه مسلمین می‌دهد و می‌فرماید: [علیکم]، و آیه سوره فتح این وعده را تنها به رسول خدا (ص) می‌دهد و می‌فرماید: [**وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ**] پس سیاق دو آیه مختلف است، و نمی‌شود هر دو مربوط به یک مطلب باشند. حال اگر آیه‌ای باشد که دلالت کند بر اینکه این دو وعده کجا وفا شد؟ آن وقت ممکن است بگوئیم: پس مراد هر دو وعده، همین وعده‌ای است که این آیه از وفا شدن به آن خبر می‌دهد و چنین آیه‌ای اگر باشد آیه: «**الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً**» خواهد بود و اما اینکه نعمت در آن‌چه نعمتی بوده که خدا اتمام کرده؟ و در این آیه منتش را بر ما می‌گذارد.» (طباطبائی، ۳۳۰/۱) آیه شریفه در مورد

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

ولایت علی(ع) و در روز غدیر خم که قیام دین به حامل شخصی مبدل به قیام به حامل نوعی شد، نازل گشته است. (طباطبائی، ۲۵۴/۵)

بنابراین سیاق آیه و شروع آن با کاف مشابهت و ارجاع به آیه‌ی قبل «**وَ لِأُتِمَّ نِعْمَتِی عَلَیْکُم**» در کنار نظر علامه مبنی بر اینکه، آیه‌ای که می‌تواند وعده اتمام نعمت را در آیه‌ی ۱۵۱ بقره و آیه‌ی ۲ سوره‌ی فتح محقق کند آیه‌ی شریفه‌ی «**الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ دِینَکُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکُمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکُمُ الْإِسْلامَ دِیناً**» است که به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیهم‌السلام در روز غدیر اشاره می‌نماید، دلیلی برای ارتباط حکمت با اتمام نعمت و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۲-۲-۳-٤.کتاب و حکمت، رشک بر انگیز برای یهود

قرآن‌کریم در آیه‌ای حسادت به کتاب و حکمت را بیان می‌کند: «**أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً**» (النساء، ۵۴).

در رابطه با این آیه با چند سوال مواجه هستیم:

۱- چه کسانی حسادت ورزیدند؟

۲- منظور از ناس چه کسانی هستند؟

۳- منظور از آل ابراهیم، چه کسانی هستند؟

۴- آنچه خداوند از فضل خود به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عطا کرد، چه چیزی بوده است؟

۵- منظور از کتاب و حکمت چیست؟

۶- منظور از ملک عظیم چیست؟

پاسخ سوال اول: با توجه به آیه ۵۱ این سوره، روی سخن یهود است که درباره کافران گفتند: این گروه از اهل ایمان هدایت یافته‌ترند. بنابراین یهودیان حسادت ورزیدند.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

پاسخ سوال دوم: در رابطه با منظور از ناس چند احتمال بیان شده است که دو احتمال آن بیشتر مورد توجه مفسران قرار گرفته است:

۱ـ منظور شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.

۲ـ مقصود پیامبر و آلش می‌باشد. چنان که از امام باقر (ع) منقول است و مراد از فضل، نبوت پیامبر و امامت آل اوست (طبرسی، ۹۵/۳).

دلایل ترجیح این دو نظر عبارت است از :

۱ـ به دلیل بیان «آل‌ابراهیم» در ادامه‌ی آیه، منظور از ناس عموم مومنان نمی‌تواند باشد.

۲ـ در آیه‌ی ۳۳ آل عمران «**إِنَّ اللَّـهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحـاً وَ آلَ إِبْـراهِيمَ...**» منظور از آل‌ابراهیم، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او هستند.

بنابراین منظور از ناس، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او هستند. با توجه به اینکه (ناس) و همچنین (آل) و ضمیر (هم) که به ناس اشاره دارند، عموما برای جمع به کار می‌روند، معنای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و آل او، برای (ناس) مناسب‌تر است.

پاسخ سوال سوم: در رابطه با منظور از آل ابراهیم دو احتمال وجود دارد:

۱. مطلق آل ابراهیم «اولاد اسماعیل و اسحاق علیهما السلام» است.

۲. پیامبر صلی‌الله علیه و آله وسلم و اهل بیت او علیهم السلام است، که همه از نسل حضرت اسماعیل (علیه السلام) هستند.

مطلق آل‌ابراهیم قابل پذیرش نیست، به جهت اینکه در این آیه به حسادت یهودیان که از نسل اسحاق هستند، اشاره می‌کند و مناسب نیست در همین آیه آنها را با عطای کتاب و حکمت مدح کند. بنابراین منظور از آل ابراهیم، پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت او علیهم‌السلام هستند.

پاسخ سوال چهارم: با توجه به عطف جمله «**ماآتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ**» به جمله‌ی «**فَقَدْ آتَيْنا آلَ‌إِبْراهِيمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ**» و تکرار فعل (اتی) در هر دو جمله، «آلَ إِبْراهِيم»، بدل از

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

«هُم» و «الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ» همان «ماآتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» است که مورد حسد واقع شده است. بنابراین آنچه خداوند از فضل خود به پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم عنایت کرده است و محسود یهود واقع شده است، کتاب و حکمت است.

پاسخ سوال پنجم: روایات بسیاری ذیل این آیه وجود دارد که افرادی که مورد حسد قرار گرفته‌اند را اهل بیت پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم بیان می‌کند. امام علی علیه‌السلام در رابطه با منظور از محسودون در این آیه می‌فرماید: «نحن المحسودون»[1] (کلینی، ۱۶۰/۲) امام‌باقر علیه‌السلام به صورت متعدد تعابیری مشابه نحن المحسودون در تفسیر این آیه بیان می‌کنند.[2] (نکـ : ابن شهر آشوب ۲۱۳/۳، جلابی، ۲۷۶و۳۱۴، قندوزی، ۱۲۱ و ۲۷۴، صدوق، امالی، ۲۷۸/۱، صفار، ۵۵/۵ و ۵۶/۶).

امام صادق علیه‌السلام در جواب شخصی که در رابطه با منظور از این آیه سوال می‌کند، می‌فرماید: «یا أبا الصباح، نحن [و الله الناس] المحسودون»[3] (کلینی، ۱۶۰/۴). در موارد

---

۱. و عن محمد بن یعقوب: عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسین بن سعید، عن محمد بن الفضیل، عن أبی الحسن (علیه‌السلام)، فی قول الله تبارک و تعالی: أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نحن المحسودون» (کلینی،۱۶۰/۲)

۲. وقال أبو جعفر (علیه‌السلام): «المراد بالفضل فیه النبوة، و فی علی الإمامة». (ابن شهر آشوب، ۲۱۳/۳)
و من طریق المخالفین، ما رواه ابن المغازلی: یرفعه إلی محمد بن علی الباقر (علیه‌السلام) فی قوله تعالی: أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نحن الناس، والله». (جلابی، ۲۷۶و۳۱۴ و قندوزی۱۲۱و۲۷۴)
الشیخ فی (أمالیه) قال: أخبرنا أبو عمر بن عبد الواحد بن عبد الله بن محمد بن مهدی، قال: أخبرنا أبو العباس أحمد بن محمد بن سعید بن عبد الرحمن بن عقدة، قال: حدثنا یعقوب بن یوسف بن زیاد، قال: حدثنا أبو غسان، قال: حدثنا مسعود بن سعد، عن جابر، عن أبی جعفر (علیه‌السلام) أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نحن الناس». (صدوق، امالی، ۲۷۸/۱)
و عنه: عن یعقوب بن یزید، عن محمد بن أبی عمیر، عن عمر بن أذینة، عن برید بن معاویة، عن أبی جعفر (علیه‌السلام)، فی قوله تبارک و تعالی: أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ: «فنحن الناس المحسودون علی ما آتانا الله من الإمامة دون الخلق جمیعا. و عنه: عن محمد بن الحسین و یعقوب بن یزید، عن ابن أبی عمیر، عن عمر بن أذینة، عن برید العجلی، عن أبی جعفر (علیه‌السلام)، فی قوله تبارک و تعالی: فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْكاً عَظِیماً: «فجعلنا منهم الرسل و الأنبیاء و الأئمة، فکیف یقرون فی آل إبراهیم (علیه‌السلام) و ینکرونه فی آل محمد (علیهم‌السلام)؟». قلت: فما معنی قوله: وَ آتَیْناهُمْ مُلْكاً عَظِیماً؟ قال: «الملک العظیم أن جعل فیهم أئمة، من أطاعهم أطاع الله، و من عصاهم عصی الله، فهو الملک العظیم». (صفار، ۵۵/۵ و ۵۶/۶).

۳. و عنه: عن الحسین بن محمد، عن معلی بن محمد، عن الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن أبی الصباح، قال: سألت أبا عبد الله (علیه السلام) عن قول الله عز و جل: أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. فقال: «یا أبا الصباح، نحن [و الله الناس] المحسودون» (کلینی، ۱: ۴/۱۶۰).

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

دیگر نیز به محسود بودن اهل بیت علیهم‌السلام در این آیه اشاره می‌نمایند.[۱] (کلینی، ۱۴۳/۶ و عیاشی، ۱۵۷/۱و۲۴۸ و کلینی، ۱۶۰/۴). امام رضا علیه السلام در رابطه با آیه‌ی مذکور می‌فرماید: «نحن المحسودون».[۲] (کلینی، ۱۵۷/۱)

پاسخ سوال ششم: با توجه به سیاق آیه، ملک معنایی فراتر از ملک مادی دارد و شامل ملک معنوی یعنی نبوت و ولایت نیز می‌شود. زیرا خدای عزوجل به ملک مادی اعتنایی ندارد، مگر وقتی که این ملک باعث فضیلت معنوی شود. (طباطبائی، ۳۷۷/۴) در قرآن‌کریم هرجا که واژه ی ملک آمده است در مورد مالکیت خداوند بر آسمان‌ها و زمین است به جز در چند مورد: ملکی که فرعون برای خود می‌پنداشت (الزخرف، ۵۱)، ملک سلیمان (البقره، ۱۰۲ و ص، ۳۵)، وعده‌ای که شیطان برای وسوسه آدم به او پیشنهاد می‌دهد (طه، ۱۲۰) و ملکی که به بهشتیان وعده داده شده است (الانسان، ۲۰) که تنها در این آیه ملک را با صفت کبیر آورده است که این حاصل از تفاوت ماهیت ملک دنیایی و ملک اخروی است، زیرا در آیات قبل ملک بدون صفت آمده بود.

---

۱. و عنه: بإسناده عن أحمد بن محمد، عن محمد بن أبی عمیر، عن سیف بن عمیرة، عن أبی الصباح، قال: قال أبو عبد الله (علیه السلام): «نحن قوم فرض الله عز و جل طاعتنا، لنا الأنفال، و لنا صفو المال، و نحن الراسخون فی العلم، و نحن المحسودون الذین قال الله: أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». (کلینی، ۱: ۶/۱۴۳).

عن أبی الصباح الکنانی، قال: قال أبو عبد الله (علیه السلام): «یا أبا الصباح، نحن قوم فرض الله طاعتنا، لنا الأنفال، و لنا صفو المال، و نحن الراسخون فی العلم، و نحن المحسودون الذین قال الله فی کتابه: أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ». عن یونس بن ظبیان، قال: قال أبوعبدالله (علیه السلام): «بینما موسی بن عمران یناجی ربه و یکلمه إذ رأی رجلا تحت ظل عرش الله تعالی، فقال: یا رب، من هذا الذی قد أظله عرشک؟ فقال: یا موسی، هذا ممن لا یحسد الناس علی ما آتاهم الله من فضله». (عیاشی ۱: ۱۵۷/۲۴۸)

و عنه: عن الحسین بن محمد، عن معلی بن محمد، عن الوشاء، عن حماد بن عثمان، عن أبی الصباح، قال: سألت أبا عبد الله (علیه‌السلام) عن قول الله عز و جل: أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. فقال: «یا أبا الصباح، نحن [و الله الناس] المحسودون». (کلینی ۱: ۴/۱۶۰)

۲. و عنه: عن أبی محمد القاسم بن العلاء (رحمه الله)، رفعه، عن عبد العزیز بن مسلم، عن الرضا (علیه‌السلام) – فی حدیث له طویل فی صفة الإمام– قال: «قال تعالی فی الأئمة من أهل بیت نبیه (صلی‌الله علیه و آله) و عترته و ذریته (صلوات الله علیهم): أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ‌إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَ کَفی بِجَهَنَّمَ سَعِیراً». و عنه: عن عدة من أصحابنا، عن أحمد بن محمد، عن الحسین بن سعید، عن محمد بن الفضیل، عن أبی الحسن (علیه‌السلام)، فی قول الله تبارک و تعالی: أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ. قال: «نحن المحسودون» (کلینی ۱: ۱/۱۵۷).

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

در آیه‌ی شریفه‌ی ۵۴ نسا، ملک را با صفت عظیم آورده است کـه نشـان از عظمـت و بزرگی این فرمانروایی است. از سوی دیگر در آل ابراهیم تـاکنون چنـین ملکـی را سـراغ نداریم، بنابر آنچه بیان شد، این سوال پیش می آید که ملک عظیم در این آیه به کدام ملک اشاره می کند؟

با توجه به عطف جمله‌ی «وَ آتَیْناهُمْ مُلْکاً عَظِیماً» به دو جمله‌ی «آتاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ» و «فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَـةَ» و تکرار فعل (اتی) در هر سه جمله و با توجـه بـه معنایی که برای کتاب و حکمت بیان کردیم، می‌توانیم بیان کنیم این ملک عظـیم اشـاره بـه حکومت جهانی حضرت حجت علیه‌السلام دارد. این حکومـت بـه لحـاظ وسـعت مـادی (جهانی بودن) و معنوی (الهی بودن مطلق و احقاق عدالت) مورد توجه قرار گرفتـه اسـت. روایتی نیز این مطلب را تایید می کند.

عن أبی عبدالله (علیه‌السلام)، فی هذه الآیـة: **أَمْ یَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلی ما آتاهُمُ اللَّـهُ مِـنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَیْنا آلَ إِبْراهِیمَ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ آتَیْناهُمْ مُلْکـاً عَظِیمـاً**. فقـال: «نحـن النـاس الذین قال الله، و نحن و الله المحسودون، و نحن أهل هذا الملک الذی یعـود إلینـا». (صـفار، ۵۶/۹) امام حسین علیه‌السلام در باره‌ی آیه‌ی شریفه ۵۴ نساء می‌فرماید: به خـدا سـوگند که منظور از محسودون در قول خداوند، ما هستیم و ما اهل این ملکی هسـتیم کـه بـه مـا برمی‌گردد. یعود الینا، صراحتا بازگشت ملک را بیان می‌کند و دلیل مناسبی بر دلالت ملـک بر حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

نتیجه بررسی آیات مذکور را می توان در چند مطلب کلی خلاصه کرد:

۱ـ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به عنوان تنها پیـامبری بـود کـه ماموریـت تعلیم کتاب و حکمت را به امت خود و مدعیان اسلام و حتی مشرکان و مخالفان داشت.

۲ـ کتاب و حکمت به عموم مردم ابلاغ می شود اما به جز اولوالالبـاب از آن متـذکر و بهره‌مند نمی‌شوند.

۳ـ ماموریت تعلیم کتاب و حکمت توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آلـه و سـلم از

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

جانب خداوند، امری لازم و موکد است.

۴ـ کتاب و حکمت نعمتی الهی است که اگر از جانب خداوند و توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ابلاغ نشده بود، بشر امکان دستیابی و بهره مندی از آن را نداشت.

۵ـ آغاز تنها آیه‌ای که با ضمیر مخاطب به تعلیم کتاب و حکمت اشاره دارد با کاف مشابهت با آیه قبل که می‌فرماید: «وَ يُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ» ارتباط دارد. براساس نظر علامه آیه‌ای که می‌تواند وعده اتمام نعمت را در آیه‌ی ۱۵۱ بقره و آیه‌ی ۲سوره‌ی فتح محقق کند آیه‌ی شریفه‌ی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِيناً» است و این آیه به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام در روز غدیر اشاره می‌نماید که دلیلی برای ارتباط حکمت با اتمام نعمت و ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام است.

۶ـ اختصاص کتاب و حکمت و ملک عظیم به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم و آل او، مورد حسادت یهودیان قرار گرفت. همچنین روایات متعددی به محسود بودن اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره می نمایند.

۷ـ اعطای ملک عظیمی که در قرآن برای آل ابراهیم بیان می‌کند، با توجه به شواهد ذکر شده، می‌تواند حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد.

آیات موید

در این قسمت آیاتی که به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌پردازد، به عنوان موید برای ادعای مقاله اشاره می‌نماییم.

۱ـ «الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلا تَخْشَوْهُمْ وَ اخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلامَ دِينا». (المائده، ۳)

علامه طباطبائی در رابطه با اثبات عقلی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي» با ولایت امام علی علیه‌السلام معتقد است: «تمامیت یاس کفار باید به خاطر عاملی باشد که عقل آن را تنها عامل ناامیدی کفار بداند، و آن این است که خدای سبحان برای

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

این دین کسی را نصب کند که قائم مقام رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله و سلم) باشد و در حفظ دین و تدبیر امر آن و ارشاد امت متدین کار خود آن جناب را انجام دهد، به نحوی که خلای برای آرزوی شوم کفار باقی نماند، و کفار برای همیشه از ضربه زدن به اسلام مایوس شوند. زیرا اگر دین قائم به شخص معین باشد، دشمنان آن می‌توانند این آرزو را در سر بپرورانند، که با از بین رفتن آن شخص دین هم از بین برود، ولی وقتی قیام به حاملی شخصی، مبدل به قیام به حاملی نوعی شد، آن دین به حد کمال می‌رسد، و از حالت حدوث به حالت بقاء متحول گشته، نعمت این دین تمام می‌شود و این وجه خود مؤید روایاتی است که می‌گوید آیه شریفه مورد بحث در روز غدیر خم در مورد ولایت علی (ع) نازل شد.» (طباطبائی، ۱۸۲/۵)

۲ـ «یا أَیُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ ما أُنْزِلَ إِلَیْکَ مِنْ رَبِّکَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَما بَلَّغْتَ رِسالَتَهُ وَ اللَّهُ یَعْصِمُکَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْکافِرِینَ» (المائده، ۶۷)

روایاتی از طرق اهل تسنن و شیعه وارد شده است که بیان می‌کند: آیه شریفه در باره ولایت علی (علیه‌السلام) نازل شده و خداوند، رسول اللّه (صلی الله علیه و آله وسلم) را مامور به تبلیغ آن نموده است و ایشان در غدیرخم آن را عملی کرد و فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» یعنی هر که من مولای اویم، این ـ علی بن ابی طالب ـ نیز مولای اوست. (طبرسی۲۲۳/۳)

وجه ارتباط این آیات که ابلاغ ولایت امام علی علیه السلام، توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را بیان می کند با مدعای این پژوهش مبنی بر تطبیق تعلیم حکمت بر ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام، در چند مطلب است:

۱ـ اصل ماموریت ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه السلام توسط پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که این پژوهش به آن می‌پردازد، مسئله‌ای قابل پذیرش در آیات قرآن کریم است که در آیات موید به آن پرداختیم.

۲ـ در آیات چهارگانه ای که ماموریت تعلیم کتاب و حکمت به پیامبر صلی الله علیه و

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

آله و سلم را بیان می‌کند، تعلیم حکمت، به لحاظ ترتیب آخرین مرحله از ماموریت و بعد از امر ایشان به تلاوت آیات الهی، تزکیه و تعلیم کتاب آمده است. آیات مؤید نیز که به ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیه‌السلام اشاره می‌نماید، از آیات سوره‌ی مائده است که اهل حدیث و تاریخ اتفاق دارند که سوره مائده در اواخر ایام حیات رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) بر آن حضرت نازل شده و در روایات شیعه و سنی هم آمده که در سوره مائده ناسخ هست ولی منسوخ نیست، چون بعد از مائده چیزی نازل نشد تا آن را نسخ کند (طباطبائی، ۱۵۷/۵). علاوه بر اینکه در آیه‌ی ۳ مائده، ابلاغ ولایت را با عنوان اکمال دین و اتمام نعمت بیان می‌کند که نشان می‌دهد آخرین مرحله‌ی ماموریت ایشان است.

بنابراین پذیرش اصل ماموریت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جانب خداوند برای ابلاغ ولایت امیرالمومنین علیه السلام و قرار گرفتن آن به عنوان اتمام و آخرین مرحله ماموریت نبوی، به پذیرش این پژوهش مبنی بر تطبیق تعلیم حکمت بر ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیهم السلام کمک می‌کند.

روایت موید

علاوه بر روایاتی که ذیل آیه ۵۴ نساء اشاره نمودیم، مبنی بر اینکه محسود یهود، اهل بیت (علیهم‌السلام) بودند و روایتی که ذیل «وَ آتَيْناهُمْ مُلْكاً عَظِيماً» آوردیم مبنی بر اینکه ملک اشاره به حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، روایت دیگری صریحا به قرآن و عترت علیهم السلام اشاره می‌نمایند:

روایتی در تفسیر فرات: [فرات بن إبراهيم الكوفی] قال حدثنی جعفر بن محمد الفزاری [قال حدثنی محمد بن أحمد المدائنی قال حدثنی هارون بن مسلم عن الحسين بن علوان [حيلولة] قال [و] حدثنی الفضل بن يوسف قال حدثنی عبد الملک بن مروان عن الكلبی عن أبی صالح] عن ابن عباس رضی الله عنه فی قوله [تعالی] هُوَ الَّذِی بَعَثَ فِی الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آياتِهِ وَ يُزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتابَ وَ الْحِكْمَةَ [الآية] قال الكتاب القرآن و

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

الحکمة ولایة علی بن أبی طالب علیه السلام. (فرات کوفی، ص۴۷۳).

البته این روایت دلیل مستقل بر پذیرش مدعای این پژوهش مبنی بر تطبیق تعلیم حکمت بر ابلاغ ولایت علی بن ابی طالب علیهم‌السلام نیست و دلایل قرآنی و روایی آن در قسمت‌های قبل آمده است. این روایت به عنوان موید بر مدعای این پژوهش است.

نتایج مقاله

کتاب و حکمت در آیات متعددی از قرآن کریم همنشین شده‌اند و در تفاسیر، معانی متعدد و متفاوتی برای آن‌ها وجود دارد. اما مفهوم حکمت در همنشینی کتاب مفهومی متفاوت از حکمت لغوی و اصطلاحی در قرآن دارد. این نوشتار با مخاطب شناسی آیاتی که حکمت در کنار کتاب آمده است و شناخت ویژگی‌های کتاب و حکمت در آیات، مفهوم حکمت همنشین کتاب را اینگونه به دست آورد:

در هر آیه‌ای از قرآن کریم که کتاب و حکمت در کنار هم آمده‌اند، دریافت کننده آن دو، انبیاء (علیهم‌السلام) هستند، به جز امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم که ایشان مامور به تعلیم کتاب و حکمت به آنها بودند. اما تا قبل از ایشان، انبیا علیهم السلام تنها دریافت‌کنندگان حکمت از جانب خداوند بودند و آگاهی از کتاب و حکمت رمز و دلیل نبوت و ملاکی جهت تشخیص پیامبر بعدی توسط پیامبر قبلی بود و حتی مریم علیهاالسلام با مقام قداست از این امر مستثنا نبود. همچنین حکمت بدون همجواری با کتاب در قرآن نیز، تنها برای دوگروه نامبرده آمده است. به جز در یک مورد که حکمت برای لقمان به کار رفته که در مورد نبوت او اختلاف است. البته اگر نبوت او را نپذیریم منافاتی با ادعای پژوهش حاضر ندارد؛ زیرا حکمت در همنشینی با کتاب مدنظر ما است. اما پرداختن به واژه حکمت به تنهایی، موید ما برای اثبات دست نیافتنی بودن آن برای عموم افراد است.

با توجه به آیات و روایات مرتبط با رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، تطبیق

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

تعلیم قرآن با تعلیم کتاب امری روشن و واضح است. اما در رابطه با معنای حکمتی کـه در کنار کتاب آمده است، تفاسیر مختلفی شده است که بررسـی خصوصـیت حکمـت در کـل آیاتی که این دو مولفه را در کنار دارد، رسیدن به معنای واحد را ممکـن مـی سـازد. ایـن خصوصیات عبارتند از: بهره‌مندی اختصاصی اولواالالبـاب از حکمـت علیـرغم عمومیـت تعلیم، تکرار امر تعلیم حکمت به پیامبر، نعمت ثقیل الهی، واکنش حسودانه یهود بـه نعمـت حکمت و... . بنابر این از مجموع تخصیص تعلیم حکمت به انبیا علیهم‌السلام و امت پیـامبر صلی الله علیه و آله و سلم و تکرار آن به دست می‌آید که معنای حکمت در چهار آیه قرآن که با کتاب همنشین شده است به معنای ولایت امیرالمومنین علیه السلام است که در قالـب عنوان حکمت باید به مسلمانان تعلیم داده می‌شد.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. إبن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، الأمالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ش.

۳. همو، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی‌اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

۴. إبن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

۵. إبن شهرآشوب، أبوجعفر محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۲۵ق.

۶. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغه، محقق و مصحح: عبد السلام محمد هارون، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.

۷. الازدی البصری، ابوبکر محمد بن حسن، جمهره اللغه، بیروت: دارالعلم للملایین، ۱۹۸۷م.

۸. برنجکار، رضا، مفهوم حکمت در قرآن و حدیث، فصلنامه مبین، ۱۳۸۸،

۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، بیروت، دار احیا التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

۱۰. پاشایی، حسن، بررسی تطبیقی مفهوم حکمت در قرآن و عهدین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد ادیان و عرفان، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، ۱۳۸۹ش.

۱۱. تفلیسی، حبیش‌بن‌ابراهیم، وجوه قرآن، تهران: بنیاد قرآن، ۱۳۵۹ش.

۱۲. جُلابی، علی بن محمد، مَناقِبُ الإمام عَلی بْن أبی طالب، تصحیح محمد باقر بهبودی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۲۴ق.

۱۳. حسینی، مالک، حکمت چند رویکرد به یک مفهوم، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۸ش.

۱۴. راغب اصفهانی، ابو القاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، محقق: صفوان عدنان داوودی، بیروت، دارالعلم ـ دارالشامیه، ۱۴۱۲ق.

۱۵. شاکر، محمد کاظم، نگاهی دیگر به معناشناسی کتاب و حکمت، مجله پژوهش دینی، ۱۳۸۰، ش۳.

۱۶. شریفی، مهین، بررسی واژه‌ی حکمت در قرآن، نشریه‌ی بینات، ۱۳۷۹، ش ۲۵.

۱۷. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمّد، قم: مکتبة آیة الله المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ق.

۱۸. طالبی، سیدعلی، مفهوم شناسی حکمت در کتاب و سنت با تاکید بر آرا فلاسفه‌ی مسلمان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه باقرالعلوم، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۳۸۶ش.

۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه قم، ۱۴۱۷ق.

۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، به ترجمه: گروه مترجمان، تهران، انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ش.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیرالعیّاشی، تهران: المطبعة العلمیه، ۱۳۸۱ ق.
۲۲. فرات کوفی، ابوالقاسم فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۳. فیومی، أحمد بن محمد، المصباح المنیر، قم: موسسه دار الهجرة، ۱۴۱۴ق.
۲۴. قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۱۲ق.
۲۵. قمی، علی بن إبراهیم، تفسیر قمی، قم: داراالکتاب، ۱۳۶۷ش.
۲۶. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوی القربی، نجف اشرف: چاپخانه حیدریه، ۱۳۸۴ق.
۲۷. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ش.

[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]
[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1399.13.26.6.1]
[Downloaded from mail.pnmag.ir on 2026-09-26]